

سواد دانشگاهی و دانشگاه ایرانی

www.ketab.ir

علیرضا پیروزان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سواد دانشگاهی و دانشگاه ایرانی

علیرضا پیروزان

ناشر: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ویراستار: فرهاد سلیمان نژاد

طراح جلد: محمد باقر جاوید

صفحه آرا: علی قربی

جواب اول: تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۷۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۱۵-۳

(الف)

تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

وبسایت: www.iscs.ac.ir

نشانی: تهران، خیابان گهواره، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴.
پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir
کلیه آثار منتشره این مؤسسه در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید مؤسسه نیست.

سرشناسه: پیروزان، علیرضا، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: سواد دانشگاهی و دانشگاه ایرانی / علیرضا پیروزان؛ ویراستار فرهاد سلیمان نژاد.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

مشخصات ظاهری: ۳۵۸ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۱۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۳۵] - ۳۵۷.

یادداشت: نمایه

موضوع: سواد اطلاعاتی - ایران: Iran - Information literacy

موضوع: تدریس دانشگاهی -- ایران - ارزشیابی: Evaluation -- Iran - College teaching

موضوع: آموزش عالی -- ایران - ارزشیابی: Evaluation -- Iran - Education, Higher

موضوع: آموزش عالی و دولت - ایران: Iran - Higher education and state

موضوع: سیاست علمی -- ایران -- برنامه ریزی: Planning -- Iran - Science and state

موضوع: دانشجویان -- ایران - ارزشیابی: Rating of -- Iran - College students

موضوع: دانشگاه ها و مدارس عالی -- ایران -- برنامه ریزی: Planning -- Iran - Universities and colleges

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی: Institute for Social and Cultural Studies

رده بندی کنگره: ZA ۳۰۷۵

رده بندی دیویی: ۲۸/۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۲۸۴۲۳۵

اطلاعات رگورد کتابشناسی: فیبا

فهرست

۷	دیپاچه مؤسسه
۹	پیشگفتار

فصل ۱: شناخت سواد دانشگاهی

۲۷	گفتار نخست: پیدایش مفهوم «سواد دانشگاهی»: دلایل و انگیزه‌ها
۳۱	شکل‌گیری گفتمان سواد و تخصص در نهاد دانشگاه
۵۳	تبیین معرفت‌شناختی و ایدئولوژیک
۶۰	ماهیت فرهنگی و موضع تحول‌پذیر: سواد دانشگاهی از منظر مردم‌نگاری انتقادی
۶۹	سواد دانشگاهی در گفتمان‌های خاص و شته‌ای
۷۵	برخورداری از سواد دانشگاهی و اکتساب آن
۸۲	کاربردهای راهبردی: به‌کارگیری صورت‌های مفرد و جمع
۸۷	رویکردهای زبان‌شناختی
۱۰۰	جوامع تمرین دانشگاهی
۱۰۸	گفتار دوم: سواد دانشگاهی به مثابه حوزه‌ای کاربردی در آموزش عالی
۱۰۸	ترسیم جایگاه پژوهش‌های سواد دانشگاهی از منظر آموزش و یادگیری
۱۲۲	توسعه دانشگاهی و نحوه ارائه سواد دانشگاهی
۱۲۸	سواد دانشگاهی در کلاس‌های درس دانشکده‌ها: مشارکت و عاملیت دانشجویان
۱۳۷	عناصر اساسی سواد دانشگاهی
۱۶۰	سواد دانشگاهی: طراحی و هماهنگ‌سازی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی
۱۷۲	گسترش اهداف و موضوعات پژوهش‌های مرتبط با سواد دانشگاهی

فصل ۲: سواد دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران

۱۸۳	گفتار نخست: ارزیابی وضعیت سواد دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران
۱۸۳	چشم‌اندازی از تغییرات و تحولات در نظام آموزش عالی ایران
۱۹۰	سواد دانشگاهی و مطالعات کلاس درس دانشگاهی

۱۹۶	کلاس درس اجتماعی و سواد دانشگاهی
۱۹۸	مسئله تعامل دوسویه استادان و دانشجویان
۲۰۲	سواد دانشگاهی در نهاد دانشگاه ایرانی: نگارش، خوانش، و تفکر انتقادی
۲۰۴	کاستی‌های نگارش متون: ناتوانی دانشجویان در تولید متون دانشگاهی ابتکاری
۲۰۶	سواد دانشگاهی و محتوای متون دانشگاهی: تقابل کمیت با کیفیت
۲۱۴	ناتوانی در ارزیابی و تحلیل متون دانشگاهی: فقدان تفکر انتقادی
۲۱۶	هویت دانشگاهی و عدم جامعه‌پذیری در گفتمان‌های دانشگاهی
۲۲۴	ساختارهای سنتی: مانعی برای شکل‌گیری گفتمان سواد دانشگاهی
۲۲۶	اهمیت شفاف‌سازی قواعد، هنجارها و انتظارات رشته تحصیلی
۲۲۸	گفتار دوم: سواد دانشگاهی در دانشگاه ایرانی: یک مطالعه موردی
۲۳۲	نگارش دانشگاهی
۲۴۵	خوانش دانشگاهی
۲۵۱	تفکر انتقادی
۲۶۲	نتیجه‌گیری و بحث

فصل ۳: سیاست‌گذاری در زمینه سواد دانشگاهی

۲۷۹	گفتار نخست: راهکارهای کاربردی و راهبردهای اجرایی
۲۸۱	راهکارهای گسترش فن سوادآموزی دانشگاهی
۳۰۰	گفتار دوم: سیاست‌گذاری در حوزه سواد دانشگاهی
۳۰۲	مفروضات بنیادین چگونگی ارائه سواد دانشگاهی در کلاس‌های درس دانشکده‌ها
۳۰۹	راهکارهای دستیابی به سواد دانشگاهی در نهاد آموزش عالی کشور
۳۱۶	سیاست‌گذاری توسعه و ارتقای سواد دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران
۳۱۸	معیارهای اساسی سیاست‌گذاری در زمینه سواد دانشگاهی
۳۲۰	ملزومات سیاست‌گذاری در حوزه سواد دانشگاهی
۳۲۲	اهداف اساسی و نتایج موردانتظار از ارائه برنامه‌های سواد دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران
۳۲۵	سخن آخر
۳۴۳	منابع
۳۵۳	نمایه

پیشگفتار

«سواد دانشگاهی» مفهومی است با ماهیتی فرهنگی که در پاسخ به ضرورت پرداختن به مسئله موفقیت در اجتماعات دانشگاهی، جامعه‌پذیری در فرهنگ دانشگاهی، دستیابی به قواعد گفتار رشته‌ای و دانشگاهی، و کیفیت سوادآموزی در نظام‌های آموزش عالی و چگونگی ارتقای آن به‌ویژه طی دو دهه گذشته به‌طور فزاینده‌ای مطرح شده و مورد توجه و مطالعه روزافزون محافل دانشگاهی جهان قرار گرفته است. هم‌زمان، سواد دانشگاهی می‌تواند آشکارا به‌منزله یک حوزه پژوهشی پویا با توجهات و گرایش‌های معرفت‌شناختی و ایدئولوژیک قابل‌شناسایی مشخص شود. در این زمینه، انجام طرح‌های پژوهشی متنوعی تحت عناوین مرتبط با رویکرد نهادی نسبت به «سواد دانشگاهی» و نحوه اکتساب آن نیز افزایش یافته است. همچنین پژوهش درباره برداشت‌ها و شیوه‌های نگارش در آموزش عالی به‌عنوان مطالعات موردی در دانشگاه‌های بین‌المللی رایج شده است. با این حال، این مفهوم تاکنون در نظام آموزش عالی ایران مورد توجه قرار نگرفته و پژوهشی جامع یا مستقل درخصوص آن انجام نشده است. از آنجاکه امروزه برخورداری از سواد دانشگاهی، شرط اصلی در

موفقیت دانشگاهی در بسیاری از نظام‌های آموزش عالی بین‌المللی محسوب می‌شود، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع به‌طور بنیادی و همچنین در نتیجه آن کسب نظرات، تفاسیر و آگاهی از عملکرد استادان و اعضای هیئت علمی دانشکده‌ها از منظر پژوهش آموزشی و نیز دانشجویان از منظر یادگیری محرز است.

باید اذعان داشت که اختلاف زیادی در مجموعه موجود از پژوهش‌ها در این زمینه بسیار خاص وجود دارد. در عین حال، هیچ‌گونه سابقه‌ای از هر نوع مطالعه مشابهی که در بردارنده مفهوم سواد دانشگاهی در ایران باشد موجود نیست و تاکنون پژوهشی به‌منظور کشف تجربه‌های خاصی که هر دو گروه استادان و دانشجویان را قادر به مشارکت موفقیت‌آمیز در جامعه دانشگاهی خواهد نمود، در کشور ما به عمل نیامده است؛ لذا، کار ما در این مطالعه، آغازگر این مجموعه از فعالیت علمی و پژوهشی در کشور خواهد بود.

ما در اینجا و در مواجهه با پس‌زمینه تغییرات عمده در نظام‌های آموزش عالی و تعداد روبه‌افزایش افرادی که به‌طور غیرسنتی وارد آموزش عالی می‌شوند، با اتخاذ یک رویکرد نهادی گسترده‌تر به مسئله یادگیری در نظام آموزش عالی از منظر آموزش و تدریس، و نه صرفاً تعیین مشکلات، با استادان و دانشجویان به‌طور جداگانه در ارتباطیم. یکی از اهداف اصلی ما، فاصله گرفتن از الگوی ناقص مبتنی بر مهارت‌ها از سواد دانشگاهی است و همچنین در نظر گرفتن پیچیدگی شیوه‌های سواد که در سطح دانشگاهی در حال وقوع است؛ لذا، به‌عنوان نقطه آغازین، مفهوم سواد دانشگاهی را به‌عنوان چارچوبی برای درک شیوه‌های سوادآموزی دانشگاهی اتخاذ کرده‌ایم.

از سوی دیگر، عملکرد ضعیف دانشجویان در دانشگاه اغلب با ناآمادگی آنها برای تحصیلات در نظام آموزش عالی مرتبط دانسته شده و جنبه بسیار مهمی از چنین ناآمادگی در میان دانشجویان، «سواد دانشگاهی» آنهاست. در این زمینه سواد

درحالی که مختص به زمینه‌های خاص و مربوط به خود بوده‌اند، به مجموعه دانش درحال‌رشد در حوزه توسعه دانشگاهی درون نظام آموزش عالی و نقش سواد دانشگاهی در یادگیری دانشجویان، مساعدتی شایان کرده است.

اما «سواد دانشگاهی» از کجا آغاز می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که ابراز نگرانی‌ها درخصوص ویژگی‌های نوعی دانشجویانی که دوره تحصیلی متوسطه را به پایان رسانده و وارد نظام آموزش عالی می‌شوند سال‌هاست که مطرح می‌شود. این ابراز نگرانی، هم‌زمان است با تعداد فزاینده دانشجویان در نظام‌های آموزش عالی که به دلایل مختلف، مشکلاتی جدی و مداوم را در تفسیر وظایف دانشگاهی تجربه می‌کنند. در این زمینه، نورثج^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که درحال حاضر این شناخت در سطح بین‌المللی وجود دارد که با گسترش دسترسی به آموزش عالی، ساختار همگن نخبه‌سالار، به‌طرف ساختاری متنوع تغییر کرده است که در زبان، پس‌زمینه‌های اجتماعی اقتصادی، فرهنگ‌ها، نژاد و آموزش عالی همگانی منعکس شده است.

آماده‌نبودن دانشجویان برای تحصیل در آموزش عالی، در هر دو سطح ملی و بین‌المللی، بارها به‌عنوان یکی از شایع‌ترین علل بن‌بست کنونی ذکر شده است. ایمس و فیشر^۲ (۱۹۹۸)، لی و استریت^۳ (۱۹۹۸)، نورثج (۲۰۰۳) و فان دایک و وایدمن^۴ (۲۰۰۴) از جمله پژوهشگرانی‌اند که در مقالاتشان به تفصیل به این مسائل پرداخته‌اند؛ در نتیجه، نظام آموزش عالی در اکثر نقاط جهان، برای پاسخ‌گویی جامع به شکاف میان اکتسابات و عادات دوران تحصیل در مدرسه متعلمین و اقتضائات فکری برنامه‌های آموزش عالی به چالش کشیده شده است. این دیدگاه، در قالب تعدادی از اهداف راهبردی بیان شده که شامل موارد

1. Northedge

2. Amos & Fischer

3. Lea & Street

4. Van Dyk & Weideman

دانشگاهی به منزله کنشی موقعیت‌مند، یعنی شناخت چگونگی گفتار و عمل درون یک گفتمان خاص، و خوانش و نگارشی در نظر گرفته شده است که درون رشته تحصیلی به عنوان ابزارهایی برای تسهیل یادگیری رخ می‌دهد. درحالی‌که برخی از دانشجویان به موجب مشارکت در جامعه گفتمانی رشته تحصیلی مربوطه، سواد دانشگاهی را کسب می‌نمایند، این امر همیشه برای دانشجویانی صدق نمی‌کند که کمتر برای تحصیلات آموزش عالی آماده شده‌اند.

بنابراین، در واکنش به بازخوردهای منفی و عملکرد ضعیف، نهادها و مؤسسات آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌های حمایتی آموزشی دانشگاهی را برای پاسخ‌گویی و رسیدگی به نیازهای دانشجویانی که با نتایج ضعیف از دوران تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه می‌شوند اجرا می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در این زمینه، مسائلی مهم را برجسته کرده و مورد تأکید قرار داده است که مهم‌ترینشان تسهیل آکادمیک سواد دانشگاهی از طریق فراهم‌ساختن و ارائه مؤلفه‌های سواد دانشگاهی برای آن دسته از دانشجویانی است که آمادگی کمتری دارند، به‌خصوص هنگامی که چنین مقرراتی دیگر حمایت از مؤلفه‌های اصلی مبتنی بر رشته‌های تحصیلی مختلف است. دیگر یافته‌های مهم مطالعات به‌عمل‌آمده، بر این مسئله تأکید می‌کنند که عوامل نهادی مانند افزایش تعداد دانشجویان، تاچه اندازه زیرساخت‌های نهاد دانشگاه و منابع انسانی آن را تحت فشار قرار می‌دهد. تأثیر این وضعیت به‌تدریج به کلاس‌های درسی سال اول دانشگاه‌ها سرازیر می‌شود و تأثیری منفی بر یادگیری دانشجویان دارد. درنهایت، نتایج مطالعات یادشده، مفاهیم و عقاید رایج و غالب درباره دانشجویان «ناآماده» را زیر سؤال می‌برد و مورد تردید قرار می‌دهد، از آن‌رو که تمامی دانشجویانی که در چنین پژوهش‌هایی مطالعه شده‌اند، صرف‌نظر از پس‌زمینه‌هایشان، چالش‌هایی قابل‌توجه را تصدیق کرده‌اند که ورود به جامعه دانشگاهی پیش‌روی آنها قرار داده است. همچنین یافته‌های مطالعات انجام‌شده،

درحالی که مختص به زمینه‌های خاص و مربوط به خود بوده‌اند، به مجموعه دانش درحال‌رشد در حوزه توسعه دانشگاهی درون نظام آموزش عالی و نقش سواد دانشگاهی در یادگیری دانشجویان، مساعدتی شایان کرده است.

اما «سواد دانشگاهی» از کجا آغاز می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که ابراز نگرانی‌ها درخصوص ویژگی‌های نوعی دانشجویانی که دوره تحصیلی متوسطه را به پایان رسانده و وارد نظام آموزش عالی می‌شوند سال‌هاست که مطرح می‌شود. این ابراز نگرانی، هم‌زمان است با تعداد فزاینده دانشجویان در نظام‌های آموزش عالی که به دلایل مختلف، مشکلاتی جدی و مداوم را در تفسیر وظایف دانشگاهی تجربه می‌کنند. دراین زمینه، نورثج^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که درحال‌حاضر این شناخت در سطح بین‌المللی وجود دارد که با گسترش دسترسی به آموزش عالی، ساختار همگن نیمه‌سالار، به‌طرف ساختاری متنوع تغییر کرده است که در زبان، پس‌زمینه‌های اجتماعی اقتصادی، فرهنگ‌ها، نژاد و آموزش عالی همگانی منعکس شده است.

آماده‌نبودن دانشجویان برای تحصیل در آموزش عالی، در هر دو سطح ملی و بین‌المللی، بارها به‌عنوان یکی از شایع‌ترین علل بن‌بست کنونی ذکر شده است. ایمس و فیشر^۲ (۱۹۹۸)، لی و استریت^۳ (۱۹۹۸)، نورثج (۲۰۰۳) و فان دایک و وایدمن^۴ (۲۰۰۴) ازجمله پژوهشگرانی‌اند که در مقالاتشان به تفصیل به این مسائل پرداخته‌اند؛ درنتیجه، نظام آموزش عالی در اکثر نقاط جهان، برای پاسخ‌گویی جامع به شکاف میان اکتسابات و عادات دوران تحصیل در مدرسه متعلمین و اقتضائات فکری برنامه‌های آموزش عالی به چالش کشیده شده است. این دیدگاه، در قالب تعدادی از اهداف راهبردی بیان شده که شامل موارد

1. Northedge

2. Amos & Fischer

3. Lea & Street

4. Van Dyk & Weideman

ذیل است: بهبود نرخ‌های بهره‌وری و فارغ‌التحصیلی، تأمین بودجه برنامه‌های توسعه دانشگاهی و حصول اطمینان از اینکه برابری در دسترسی، به برابری در نتایج منجر می‌شود.

در پاسخ بدین ضرورت، بسیاری از نهادها و مؤسسات آموزش عالی کوشیده‌اند مداخلات حمایت‌گرایانه و برنامه‌های توسعه دانشگاهی را به منظور بهبود نرخ‌های بهره‌وری از یک سو، و هم‌زمان پرداختن به نیازهای دانشجویان به اصطلاح «تحت آماده‌سازی» از سوی دیگر برقرار کنند (مک‌کنا، ۲۰۰۳).
 باین حال، نتایج این تلاش‌های هدفمند و بعضاً پرهزینه اغلب نوسازنده بوده است. نرخ‌های ترک تحصیل در سرتاسر طیف گسترده‌ای از نظام‌های آموزش عالی همچنان افزایش می‌یابد و استادان به طرزی فزاینده ناتوانی‌های دانشجویان در خوانش و نگارش به شیوه‌ای انتقادی و تحلیلی، و به منظور درک گفتمان رشته تحصیلی - در اصل، بی‌سوادی دانشگاهی - را به عنوان محور این مشکل ذکر می‌کنند (فان دایک و وایدمن، ۲۰۰۴)؛ بنابراین، این طور به نظر می‌رسد که برخورداری از سطحی از سواد دانشگاهی می‌تواند نقشی بسیار مهم در موفقیت دانشگاهی در آموزش عالی ایفا کند.

مفهوم سواد دانشگاهی، دست‌کم در دو دهه اخیر، در عرصه مطالعات دانشگاهی به طور جدی ظاهر شده است اما ارائه تعریفی از آن در حقیقت مشکل‌ساز است. وینگارتنر^۲ (۱۹۹۳: ۳) این طور اظهار داشته است که «اگر فعالیت‌های آموزشی سال‌های مقطع کارشناسی باید مؤثر باشد، دانشجویان باید از دانش و توانایی‌هایی برخوردار باشند که آنها را قادر به پیشرفت موفقیت‌آمیز به سوی وضعیت تحصیل کرده می‌سازد». اما اگر بسیاری از دانشجویان تا هنگام فارغ‌التحصیلی برای یادگیری خود استقامت نشان نمی‌دهند، آیا می‌توانیم این طور فرض کنیم که این مسئله به این دلیل است که آنها از «دانش و توانایی‌ها»ی

1. McKenna

2. Weingartner

مورد اشاره و ینگارتر بی‌بهره‌اند؟ و اگر چنین است، این مسئله فراتر از آن، این پرسش را برمی‌انگیزد که «چه دانشی و کدام توانایی‌ها»؟ پاسخ و ینگارتر (۱۹۹۳: ۱۴)، در ارجاع متعاقب او به مجموعه‌ای از مهارت‌ها از جمله آنهایی که متعلق به سواد است تنظیم و تدوین شده بود که طی آن او سواد را به مثابه قدیمی‌ترین و بنیادی‌ترین تمامی مهارت‌ها در زمینه‌ای آموزشی توصیف نمود. بااین‌حال، در بحث دربارهٔ چنین سوادی، او اظهار داشت که تشخیص و تعیین دقیق ابعاد و گستره مهارت‌های یادشده دشوار است، چراکه «آنچه در یک دوره کافی است، در دوره بعدی ناکافی است» (۱۹۹۳: ۱۶) و به این دلیل که به‌طور مشابه، سواد در دلالتی دانشگاهی، مفهومی سیال است.

باوجود این، بسیاری از متخصصان و پژوهشگران، تعاریفی را ارائه نموده‌اند. نیلی^۱ سواد دانشگاهی را «مهارت در خوانش و نگارشی که به گفت‌وگوی جاری و مداوم یک رشته دانشگاهی یاری می‌رساند» تعریف کرده است (۲۰۰۵: ۲۰۰). مور^۲ در بحث خود از اثر بالارد و کلانچی^۳ (۱۹۹۴: ۳۷) این‌طور نوشته است که سواد دانشگاهی «ترکیبی از قوانین و مهارت‌های زبانی، مفهومی و معرفت‌شناختی دانشگاه» است و اینکه چنین قوانین و مهارت‌هایی «به‌ندرت صریح و آشکار»ند. چند سال بعد از آن، لیووتر^۴ (۲۰۰۱: ۲) این تعریف را چنین گسترش داد که سواد دانشگاهی «می‌تواند به‌عنوان یک مجموعه خاص فرهنگی از قواعد زبانی و گفت‌مانی، تحت تأثیر اشکال نوشتاری خلاصه شود که اساساً و عمدتاً در نهادهای دانشگاهی به کار گرفته شده است». تعریف او شامل مفاهیم فرهنگ و تمرکز بر نگارش به‌عنوان تأثیرات مسلط بر سواد دانشگاهی یک فرد است. اهمیت نگارش در هر مباحثه‌ای درخصوص سواد

1. Neeley

2. Moore

3. Ballard & Clanchy

4. Leibowitz

دانشگاهی همچنین در اثر لی و استریت (۱۹۹۸: ۱۶۰) طرح شده است که کاربردی‌ترین توصیف را فراهم نموده‌اند: «شیوه‌های سواد دانشگاهی - خوانش و نگارش درون رشته تحصیلی - آن دسته از فرایندهای اساسی را تشکیل می‌دهند که از طریق آنها دانشجویان مطالب و موضوعات جدید را می‌آموزند و دانش خود را در مورد حوزه‌های نوین مطالعه توسعه می‌دهند».

از جمله مباحث اصلی مورد تمرکز در رهیافت سواد دانشگاهی که مورد تأکید و تکرار بسیار قرار گرفته است، شیوه‌های نگارش در دانشگاه‌هاست. پژوهشگران سواد دانشگاهی، به مسئله نگارش دانشگاهی دانشجویان در موقعیت‌ها و زمینه‌های مختلف و همچنین به ماهیت رشته‌های تحصیلی و حد و اندازه‌ای که این رشته‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند و کلی منسجم را برمی‌سازند، توجه جدی و بسیار نموده‌اند. لیلیس^۱ (۲۰۰۳) به این مسئله پرداخته است که رویکردها نسبت به نگارش دانشگاهی چگونه اهداف گسترده‌تر آموزش عالی، به‌ویژه در ارتباط با دست‌ورکار برنامه‌های گسترش مشارکت و تنوع را منعکس می‌سازد. همچنین لیلیس و اسکات^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به منظور طرح دیدگاه‌های خود در رابطه با سواد دانشگاهی، شرح داده‌اند که «یکی از اهداف اصلی سواد دانشگاهی، طرح مسئله تعریف و بیان «مشکلات» مشاهده شده در نگارش دانشجویان است». در این راستا، سواد دانشگاهی به عنوان یک حوزه انتقادی پژوهش قرار گرفته است. علاوه بر این، همان‌طور که لیلیس و اسکات اشاره می‌کنند، سواد دانشگاهی، معرفت‌شناسی خاص خود را داراست که سواد را به منزله شیوه یا رویه اجتماعی در نظر می‌گیرد و همچنین از موضع ایدئولوژیک خاصی برخوردار است که آن را به منزله نوعی از تحول در نظر می‌گیرد که در آن، تأکید اصلی بر پرداختن به نابرابری‌ها در روابط اجتماعی است.

1. Lillis

2. Scott